

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی

جلد سوم

بحرین

محمدعلی بهمنی قاجار



مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

زمستان ۱۳۹۷

بهمنی قاجار، محمدعلی، ۱۳۶۱.

تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی؛ بحرین / محمدعلی بهمنی قاجار.

تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۹۷.

ص. ۲۶۸

ISBN : 978-600-5786-44-6 : (ج.۳) ریال ۳۵۰۰۰۰

ISBN : 978-600-5786-28-6 : (ج.۲)

ISBN : 978-600-5786-11-8 : (ج.۱)

ISBN : 978-600-5786-10-1 : (دوره)

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فییا.

ج. ۱. بررسی تفصیلی دوره رضاشاه. - ج. ۲. جزیره‌های ایرانی خلیج فارس (۱۳۵۷-۱۳۵۲). - ج. ۳. بحرین.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

ایران - - مرزها - تاریخ

ایران - - جغرافیای تاریخی

ایران - - روابط خارجی - تاریخ - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

۳۲۷/۱۰۹۵۵

۲۲۸۷۰۱۱

DSR ۲۵/پ۹ت۹ ۱۳۹۰

کتابخانه ملی ایران



مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

آدرس تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید دستگردی، نیش شهید گوی‌آبادی، پ ۷۵

تلفن: ۲۶۷۰۵۰۷۵ و ۲۶۷۰۵۰۸۵

تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی

بحرین

جلد سوم

محمدعلی بهمنی قاجار

زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۸۶-۴۴-۶

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۸۶-۱۰-۱

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق ناشر و مؤلف محفوظ است

info@ir-psri.com

www.psri.ir

فهرست مطالب

۸	پیشگفتار
۱۲	فصل اول / نگاهی گذرا به تاریخ بحرین
۱۲	گفتار اول: از گاه باستان تا عصر قاجار
۱۲	الف. عصر باستان
۱۴	ب. صفویه
۱۵	ج. نادرشاه افشار و زندیه
۱۶	گفتار دوم: قاجاریه
۱۶	الف. از آقامحمدخان تا ناصرالدین شاه
۲۲	ب. عصر ناصرالدین شاه
۳۰	ج. عصر پایانی قاجاریه
۳۱	گفتار سوم: عصر پس از مشروطه
۳۱	الف. بازتاب مشروطه در بحرین
۳۲	ب. خیزش ۱۳۰۲ مردم بحرین
۳۷	گفتار چهارم: عصر رضاشاه پهلوی
۳۷	الف. تحولات داخلی بحرین

- ۵۲ ب. منازعه دیپلماتیک ایران و انگلیس در مورد بحرین
- ۷۵ ج. بازتاب بین‌المللی مسئله بحرین

۸۸ فصل دوم / حق حاکمیت ایران بر بحرین از دیدگاه حقوق بین‌الملل

۸۸ گفتار اول: حاکمیت تاریخی ایران

۸۸ الف. حاکمیت و عوامل مؤثر بر آن

۹۰ ۱. مفهوم حاکمیت و حقوق بین‌الملل

۹۱ ۲. نیت و اراده برای اعمال حاکمیت

۹۳ ۳. اعمال واقعی اقتدار (قاعده اشغال مؤثر)

۱۰۰ ۴. اقدامات ادواری حاکمیت

۱۰۱ ۵. حقوق تاریخی

۱۰۲ ۶. عدم اعراض از حاکمیت

۱۰۶ ب. سنجش دلایل علیه حاکمیت ایران

۱۰۶ ۱. بی‌اهمیت بودن عوامل جغرافیایی و نژادی

۱۱۰ ۲. سرکوبگری در تغییر بافت جمعیتی

۱۱۲ ۳. قاعده مرور زمان

۱۱۴ گفتار دوم: غیر قانونی بودن سلب حاکمیت ایران بر بحرین

۱۱۴ الف. شیوه‌های مشروع سلب حاکمیت و مسأله بحرین

۱۱۸ ۱. از دست دادن کنترل و اداره سرزمین

۱۱۹ ۲. اشغال و تصرف به وسیله خارجی

۱۲۰ ۳. واگذاری

۱۲۰ ۴. کشورگشایی

۱۲۱ ۵. شورش

۱۲۳ ب. ادعای استقلال بحرین

۱۲۵ گفتار سوم: انگلیس و مسأله حاکمیت ایران بر بحرین

- الف. انگلیس و شناسایی حاکمیت ایران بر بحرین ۱۲۵
 ب. اعتبار قراردادهای کمپانی هند شرقی و دولت انگلیس.. ۱۲۸
 ج. اصل استاپل ۱۳۱

- فصل سوم/ مسأله بحرین در دهه ۱۳۲۰ ۱۳۴
 گفتار اول: دولت قوام و مسأله اعمال حاکمیت ایران بر بحرین ۱۳۴
 الف. مطرح شدن بحرین در مطبوعات و پارلمان ۱۳۴
 ب. بحرین و پیامدهای جلسه ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی ۱۴۰
 ج. بحرین در برنامه‌های دولت قوام ۱۴۳

- گفتار دوم: بحرین و دولت‌های حکیمی و هژیر و ساعد ۱۴۶
 الف. تأکید بر حاکمیت ملی ایران بر بحرین ۱۴۶
 ب. نفی دخالت‌های خارجی در بحرین ۱۴۹

- فصل چهارم/ بحرین و نهضت ملی شدن نفت ۱۵۷
 گفتار اول: تحولات داخلی و بین‌المللی در پیوند با بحرین ۱۵۷
 الف. مسایل داخلی بحرین ۱۵۷
 ب. سفر نوری سعید به بحرین و بازتاب‌های آن ۱۶۰
 ج. طرح تشکیل امارات عربی شیوخ خلیج فارس ۱۶۷
 ۱. سیاست مشترک آمریکا و انگلیس ۱۷۹
 ۲. هویت ایرانی بحرین ۱۷۹
 ۳. وضعیت اشغالی بحرین ۱۸۰
 ۴. استفاده از عراق برای نفوذ در خلیج فارس ۱۸۰
 ۵. سیاست توسعه‌طلبانه عراق در خلیج فارس ۱۸۰
 ۶. ترویج ایران‌ستیزی در جهان عرب ۱۸۰
 ۷. اختلاف و رقابت میان حکومت‌های عربی ۱۸۰
 ۸. طرح تشکیل امارات ۱۸۱

- ۱۸۱ گفتار دوم: واکنش ایرانی به استمرار اشغالگری انگلیسی در بحرین
- ۱۸۱ الف. افکار عمومی
- ۱۸۴ ب. واکنش‌های دیپلماتیک
- ۱۹۰ فصل پنجم / استان چهاردهم
- ۱۹۰ گفتار اول: جنبش اعتراضی در بحرین و واکنش‌ها در ایران
- ۱۹۰ الف. تحولات داخلی بحرین
- ۱۹۲ ب. واکنش تهران به جنبش مردم بحرین
- ۱۹۶ گفتار دوم: استان بحرین
- ۱۹۶ الف. تقسیمات کشوری جدید
- ۲۲۰ ب. دولت ایران و تعامل با شیخ عیسی بن سلمان
- ۲۲۷ فصل ششم / جنبش مقاومت ملی ایرانیان در بحرین
- ۲۲۷ گفتار اول: جنبش سیاسی و سازمان سام
- ۲۲۷ الف. مرامنامه و اساسنامه و تشکیلات
- ۲۲۹ ب. فعالیت‌ها
- ۲۳۴ گفتار دوم: جنبش فرهنگی و مدرسه اتحاد
- ۲۳۴ الف. ساختار، اهداف و فعالیت‌ها
- ۲۳۵ ب. مقاومت فرهنگی
- ۲۴۱ ج. مشکلات و تنگناهای مالی و اداری مدرسه
- ۲۴۸ فصل هفتم / مقدمات تجزیه بحرین
- ۲۴۸ گفتار اول: پایانی بر حق حاکمیت ایران بر بحرین
- ۲۴۸ الف. مصاحبه شاه دردهلی
- ۲۶۵ ب. زمینه‌سازی‌ها برای تجزیه

۲۷۱ گفتار دوم: آخرین تلاش‌ها برای نجات بحرین

۲۷۱ الف. پشتیبانی از جنبش مقاومت بحرین

۲۷۸ ب. طرحی برای همه‌پرسی در بحرین

۲۹۸ فصل هشتم / تجزیه بحرین

۲۹۸ گفتار اول: از رفراندوم تا نظرسنجی

۲۹۸ الف. طرح رفراندوم از اصرار ایران تا انکار انگلیس و آل‌خلیفه

۳۰۴ ب. نظرسنجی از آل‌خلیفه و انگلیس‌ها و اعلام تجزیه بحرین

۳۱۸ گفتار دوم: تجزیه بحرین و جامعه سیاسی ایران

۳۱۸ الف. واکنش‌های درون حاکمیتی

۳۳۹ ب. واکنش‌های مردمی

۳۴۴ فصل نهم / بحرین و انقلاب اسلامی

۳۴۴ گفتار اول: بحرین در هنگامه انقلاب اسلامی

۳۴۴ الف. زمره‌های انقلاب

۳۵۰ ب. اوج‌گیری انقلاب

۳۵۴ گفتار دوم: بازتاب‌های انقلاب اسلامی

۳۵۶ فهرست اعلام

پیشگفتار

مسأله استقلال بحرین در سال ۱۳۵۰، بدون تردید مهمترین موضوع در پیوند با تمامیت ارضی ایران در عصر پهلوی است. دولت ایران همواره بحرین را جزئی جدایی‌ناپذیر از خاک خود می‌دانست و تا میانه دوران ناصرالدین شاه قاجار نیز حاکمان محلی بحرین بر حاکمیت ایران بر بحرین اذعان داشتند و ایران در این جزیره راهبردی جنوب خلیج فارس اعمال حاکمیت می‌کرد. پس از این که طی کودتایی شیخ عیسی بن علی آل خلیفه با پشتیبانی همه‌جانبه دولت بریتانیا، عموی خود شیخ محمد، حاکم منصوب دولت ایران در بحرین را سرنگون کرد، بدون این که بحرین اعلام استقلال نماید و یا حتی بریتانیا مسؤلیت اشغال آن را بپذیرد، از اعمال حاکمیت ایران بر این بخش از سرزمینش جلوگیری شد و متعاقباً بریتانیایی‌ها مدعی شدند که بحرین تحت‌الحمایه آنان است. این تحولات هیچ‌گاه مورد پذیرش دولت ایران قرار نگرفت و دولت ایران کماکان بحرین را در قلمرو قانونی و مشروع خود می‌دانست. انگلیسی‌ها نیز در عمل هیچ‌گاه دلیل و توجیهی حقوقی برای سلب حاکمیت ایران بر بحرین ارائه ندادند و صرفاً ادعای حاکمیت ایران بر این جزیره را رد می‌کردند. چنین وضعیتی منجر به کشاکش دیپلماتیک دهها ساله ایران با دولت بریتانیا بر سر حاکمیت بر جزیره بحرین گردید. در سالهای پایانی دهه ۱۹۶۰ میلادی، موضوع خروج بریتانیا از خلیج فارس مطرح گردید. در سال ۱۳۴۷ نیز محمد رضاشاه پهلوی در مصاحبه‌ای در دهلی‌نو به طور ضمنی از ادعای حاکمیت ایران بر بحرین صرف‌نظر کرد و در پی آن با ترتیباتی که بر اساس نظر و اراده انگلیس‌ها اتخاذ شده بود، سرنوشت بحرین با مداخله سازمان ملل متحد تعیین و در نتیجه بحرین از ایران

به‌طور رسمی جدا و به کشور مستقلی تبدیل شد.

تلقی افکار عمومی ایران از ماجرای «استقلال» بحرین، که با تمام مواضع و رویکردهای دولت ایران تا پیش از مصاحبه محمدرضاشاه در دهلی نیز منطبق است، «تجزیه» جزیره بحرین از ایران است. براین اساس بحرین جزیره‌ای ایرانی و استان چهاردهم ایران بوده که با دخالت انگلیس‌ها و همراهی و پذیرش نظام پهلوی از ایران تجزیه گردیده است. در مقابل این تلقی افکار عمومی، طرفداران نظام پهلوی تلاش می‌کنند تا قرائتی دیگر از ماجرا ارائه دهند. در این دیدگاه، بحرین سرزمینی است که حداقل از دوران ناصرالدین شاه از ایران جدا شده و ایران دهها سال بود که دیگر عملاً حاکمیتی بر آن نداشت و محمدرضاشاه با صرفنظر کردن از ادعای حاکمیت ایران بر بحرین در عمل راه را برای آزادسازی جزایر سه‌گانه و اقتدار ایران در خلیج فارس فراهم کرد.

باتوجه به دو دیدگاهی که به آن اشاره شد، در این پژوهش تلاش شده است که به یاری اسناد و منابع دست اول، به این پرسش پاسخ داده شود که آیا در عصر محمدرضاشاه پهلوی، بحرین از ایران تجزیه شده است یا خیر؟

برای پاسخ به این پرسش صریح، باید به حقوق بین‌الملل و تاریخ و رویدادهای سیاسی در پیوند با مسأله بحرین توجه کرد. بحرین هیچ‌گاه قانونی و مشروع از ایران جدا نشده بود. از سوی دیگر در عصر استعمار، مناطق بسیاری از حوزه اعمال حاکمیت و افتدار سرزمین مادری جدا شده بودند که با خروج استعمار، بار دیگر در اختیار سرزمین مادری قرار گرفتند.

با یک بررسی دقیق حقوقی می‌توان به این نتیجه رسید که ایران تنها از اعمال حاکمیت بر بحرین منع شده بود، اما حق حاکمیت خود را بر بحرین از دست نداده بود. فیصله‌نهایی مسأله بحرین و دخالت دادن ایران در مسأله استقلال بحرین از سوی سازمان ملل متحد، انگلیس‌ها و حکومت آل خلیفه بحرین، تأییدی ضمنی بر صحت و استواری حق حاکمیت ایران بر بحرین است. افزون بر این، ترفندها و دسیسه‌های نظام‌مند و پردامنه‌ای که منجر به صرفنظر کردن ایران از حق حاکمیتش بر بحرین شد، نیز دلیلی دیگر بر تعلق بحرین به ایران بود. هم‌چنین چگونگی تعیین وضعیت بحرین و اهتمام جدی انگلیس‌ها به عدم برگزاری رفراندوم و حتی انجام یک نظرسنجی واقعی

در بحرین، نشان از نیرومند بودن هویت ایرانی مردم بحرین و اراده آنان برای زیست در کنار سایر هم میهنان‌شان در سرزمین مادری آنان داشت.

جدایی بحرین، برخلاف ادعای طرفداران نظام پهلوی، ایران را در احقاق حقوق خود در مورد جزایر سه‌گانه نیز یاری نداد و قدرت ایران در خلیج فارس را، اگر نه بی‌درنگ، بلکه پس از چند سالی به شدت تضعیف کرد و لطمه بزرگی به موقعیت راهبردی ایران در خلیج فارس زد و ایران را از داشتن پایگاهی مهم در جنوب خلیج فارس محروم ساخت؛ و مهمتر از آن قداست و مصونیت تمامیت ارضی ایران را خدشه‌دار ساخت.

بدتر از همه، نوع استدلال‌های محمدرضاشاه در توجیه جدایی این قطعه از خاک ایران بود که به جایگاه تعرض‌ناپذیر تمامیت ارضی کشور لطمه وارد می‌کرد. استدلال‌هایی از این دست که بحرین، نفت و مرواریدش را از دست داده و بنابراین دیگر برای ایران اهمیت ندارد. این سخنان شاه جدای از این که با واقعیت نیز ناسازگار بود، به معنای تقلیل مفاهیم ملی و ارزشمندی چون خاک و خون و مرز، به معادل‌های مالی بود و از این‌رو در منظر خودی و بیگانه، خاک و مرز کشور را تا حد کالاهایی قابل معامله که با معیارهای مالی سنجیده می‌شود، تنزل داد.

سیاست دولت پهلوی در مورد بحرین، نه تنها در سالیان نزدیک به تجزیه این جزیره ایرانی، بلکه از سالها پیش در راستای تحقق سیاست انگلیس‌ها برای ایرانی‌زدایی از بحرین بود. در حالی که انگلیس‌ها سالها با اذیت و آزار مردم بومی بحرین و جابه‌جایی‌های جمعیتی و اتخاذ سیاست‌های ضد ایرانی در عرصه‌های گوناگون فرهنگ و اقتصاد در تلاش بودند تا از بحرین، ایرانی‌زدایی نمایند، محمدرضاشاه نیز مدت‌ها بود در عمل بحرین را رها کرده بود و به جز سیاست شعاری و تبلیغاتی اعلام بحرین به عنوان استان چهاردهم ایران، هیچ اقدام عملی در راه اعمال حاکمیت ایران بر این بخش از سرزمینش نکرد. شاه وقت ایران از پشتیبانی جنبش‌های مدنی و سیاسی و فرهنگی ایران خواه بحرین دریغ می‌کرد.

محمدرضاشاه و کارگزاران وی، از طرح عمومی مسأله بحرین پرهیز می‌کردند و در بزنگاه‌های حساسی چون رد قرارداد قوام و سادچیکف در مجلس شورای ملی، که امکان طرح موازی مسأله بحرین بود، در عمل از عمومی شدن مسأله بحرین در نزد

ایرانیان جلوگیری می‌کردند.

سرانجام نیز محمدرضا شاه بدان‌گونه که انگلیس‌ها می‌خواستند از حق حاکمیت ایران بر بحرین کوتاه آمد و گام‌به‌گام در مقابل زیاده‌رویهای آنان عقب نشست. شاه ابتدا به فرماندوم برای تجزیه بحرین تن در داد؛ سپس از فرماندوم هم کوتاه آمد و حاضر شد نتیجه نظرخواهی تصنعی و فرمایشی را بپذیرد. محمدرضا شاه و نظام پهلوی از حق حاکمیت ایران بر بحرین صرف‌نظر کردند اما پیوندهای طبیعی و تاریخی ایران با مردم بحرین ناگسستنی بوده و اکنون که نزدیک به پنج دهه از این جدایی تحمیلی می‌گذرد نیز این پیوندها نه تنها کمرنگ نشده که نیرومندتر از پیش نیز گردیده است.

پژوهش حاضر، سومین جلد از مجموعه تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی است و مکمل دو جلد قبلی، برای فهمی جامع و فراگیر از تحولات مرزی ایران در عصر پهلوی است. در این کتاب تلاش شده تا با یاری اسناد و منابع دست اول، سیر جدایی بحرین از ایران ترسیم گردد، کتاب از نه فصل تشکیل شده است. فصل اول نگاهی گذرا به تاریخ بحرین است. فصل دوم به مبانی حقوقی حاکمیت ایران بر بحرین اختصاص دارد، در این فصل با بهره‌مندی رویه حاکم بر حقوق بین‌الملل، حق حاکمیت ایران بر بحرین تا پیش از استقلال بحرین به روشنی تبیین گردیده است. فصل سوم به رخدادهای در پیوند با بحرین در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی پرداخته است و در این میان به ویژه تأثیر مسأله بحرین در سقوط کابینه چهارم قوام‌السلطنه مورد واکاوی قرار گرفته است. فصل چهارم، مسأله بحرین و نهضت ملی شدن نفت را بررسی می‌کند و توجه خاصی به تأثیر ظهور ناسیونالیسم عرب در موضوع بحرین صورت گرفته است. فصل پنجم به انتخاب بحرین به عنوان استان چهاردهم ایران می‌پردازد و فصل ششم نیز جریان‌های مقاومت فرهنگی و سیاسی ایران در بحرین را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. فصل هفتم مقدمات تجزیه و فصل هشتم تجزیه بحرین است و سرانجام فصل نهم نیز به بحرین و انقلاب اسلامی اختصاص یافته است.

محمدعلی بهمنی قاجار